



## پروژه ناتمام

برنامه نافرجام الجزایر برای مشارکت دادن سلفی‌ها در سازوکارهای دموکراتیک

دکتر امل بوبکر



گروگان‌های  
اروپایی در جنگ  
گروه  
«القاعده در مغرب  
اسلامی»



خانم دکتر  
«امل بوبکر»  
پژوهشگر ارشد  
مرکز دوحه  
اندیشکده  
بروکینگز  
آمریکا است

رسمی کشور نتوانسته است جایگزینی برای سلفی‌گری باشد و یا این که ایجاد جایگزین دموکراتیک برای نقش‌نخبگان سیاسی فقط در جریان قدیمی جبهه آزادی‌ملی و رویکردهای نظامی متوقف مانده است. بسیاری از کسانی که با ایده ایجاد یک دولت اسلامی به جای فضای تک‌قطبی جبهه آزادی‌ملی پس از استقلال الجزایر موافق هستند، امروز به دعوای سلفیه پیوسته‌اند. این سلفی‌ها که هرگونه سیستم سیاسی معتدل یا سکولار را رد می‌کنند و آن را "بدعت" می‌دانند، مدل خود جامعه و دولت را از "سلف" که ۳ نسل اول رهروان حضرت رسول (ص) هستند، اخذ می‌کنند. این ایده آل‌گرایی نخستینی است که در مقایسه با آن چه اخوان المسلمین در مصر از سال‌های ۱۹۲۰ آن را گسترش داد و ترویج کرد، امروزه آن‌ها را به خود مشغول کرده است. اگرچه نمونه‌های مشخصی از سلفی‌گری از ابتدای مبارزات استقلال‌خواهی در الجزایر وجود داشته‌اند، اما ظهور دوباره دعوای سلفیه را باید به عنوان استراتژی نوظهور اصلی احزاب سیاسی که از نظر سیاسی ضعیف هستند و از نظر اجتماعی بی‌اعتبار شده‌اند، در نظر گرفت.

بنابر این اکنون ۳ نوع سلفی‌گری در الجزایر موجود است. اول سلفی‌گری سیاسی یا حرکة السلفیه است. دوم سلفی‌گری جهاد یا سلفیه جهادیه است که روش جهاد را ترویج می‌کند. سوم نیز دعوای سلفیه است که به اسم سلفیه‌العلمیه هم خوانده می‌شود و بیشتر به خاطر نفوذ سعودی تحت تأثیر وهابیت است.

سلفی‌گری سیاسی که پیدایشش برای نخستین بار به سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ به وسیله جبهه نجات ملی باز می‌گردد، امروز خود را در وضعیتی مبهم در برابر دولت الجزایر می‌بیند که از یک سو حرکت‌های اسلامی را رد می‌کند و از سوی دیگر هم‌زمان سعی می‌کند مشارکت گروه‌های سیاسی را جلب کند. برخلاف سلفی‌گری سیاسی، سلفی‌گری جهادی ابهامی در پیش رو ندارد. این گروه به صورت علنی دولت را نفی کرده و اعلام کرده که به دنبال سرنگونی‌اش است. سلفی‌های جهادی در سال‌های ۱۹۹۰ با ایجاد "گروه مسلح اسلامی" (GIA: Armed Islamic Group) شروع به فعالیت کردند. بازمانده‌های این گروه بعدها گروه سلفی "موعظه و مبارزه" (GSPC: Group for Preaching and Combat) را ایجاد کردند. در سال ۲۰۰۶ با مانده‌های این گروه نیز القاعده در مغرب اسلامی را تأسیس کردند که تصور بین‌المللی از سلفی‌های الجزایر را به وجود آوردند. هر ۲ گروه سیاسی و جهادی سلفی‌ها در الجزایر رویه کاهش هستند، اگرچه حملات القاعده در مغرب اسلامی همچنان ادامه دارد. این روزها دعوای سلفیه از مهم‌ترین جلوه‌های اسلام‌گرایی در الجزایر است.

خانم دکتر «امل بوبکر» کارشناس مرکز دوحه اندیشکده بروکینگز آمریکا است. او پیش‌تر با اندیشکده کارنگی همکاری داشته است. تمرکز دکتر «بوبکر» بر فرایندهای سیاسی و دموکراسی در جهان عرب، روابط اعراب با اروپایی‌ها و روابط اعراب با آمریکا است. او همچنین مدیر بخش «اسلام و اروپا» در مرکز سیاست‌های اروپایی اتحادیه اروپا و در کسل بوده است. متن فوق ترجمه بخشی از مقاله ایشان با عنوان «سلفی‌گری و رادیکالیسم سیاسی در الجزایر» است.

ترجمه: سید محمد اسلامی

سبب توسعه اقتصادی بوده است که کشور دارد آن را تجربه می‌کند. دعوای سلفیه به واسطه شبکه‌های تجاری متعددی که از آن حمایت می‌کنند، از بالا رفتن قیمت نفت سود برده است. رادیکالیسم ضد سیاست در اعضای این جریان نشان داده است این ایده عمومی که گسترش اسلام رادیکال در بین جوانان تا بخشی به مشکلات اقتصادی مربوط است را نادرست جلوه داده است.

تا سال ۲۰۰۸ دولت الجزایر نتوانست در مقابله با رادیکالیسم اسلامی موفق شود و کشور همچنان صحنه حملات تروریستی بود. برخلاف جبهه نجات ملی، به آن گروه از احزاب سیاسی الجزایر که رویکردهای مشارکت با دولت داشته‌اند از جمله اخوان المسلمین، حماس (حرکة المجتمع السلم) و اصلاح (جنبش اصلاح ملی، حرکة الإصلاح الوطني) اجازه رقابت سیاسی داده شده است. از سال ۱۹۹۷ حماس بخشی از حامیان ریاست جمهوری بوده است که شامل جبهه آزادی‌ملی (جبهة التحرير الوطني) و جمعیت دموکراتیک ملی (التجمع الوطني الديمقراطي) است. به هر روی مشارکت دادن این گروه‌ها در فرایندهای سیاسی

چگونگی تعامل با جنبش‌های اسلامی موضوعی است که نه فقط کشورهای اسلامی بلکه آمریکا و کشورهای اروپایی را هم به خود مشغول کرده است. پذیرش این ایده که جنبش‌های اسلامی معتدل باید تا حد امکان در فرآیند سیاسی و قانونی کشور هایشان دخالت داده شوند، در حال افزایش است. با این حال هیچ‌کس در این باره بحثی ندارد که جنبش‌های اسلامی رادیکال هم - به ویژه آن‌هایی که رفتارهای خشونت‌آمیز دارند و تحت تأثیر بنیادگرایی اسلامی وهابی یا سلفی هستند - باید در این سیر وارد شوند. البته در این باره بحث‌هایی هم وجود دارد که این جنبش‌ها باید تحت کنترل قرار گیرند و یا این که در صورت امکان از بین بروند. بررسی جنبش سلفی الجزایر منجر به نتیجه متفاوتی می‌شود. علیرغم تلاش طولانی مدت برای از بین بردن و یا مجاب کردن اعضای این جنبش برای این که در ازای مورد عفو قرار گرفتن حاضر شوند سلاح‌هایشان را بر زمین بگذارند، دولت الجزایر نتوانسته است بروز رادیکال اسلام‌گرایی را که گروه‌های متنوع سلفی آن را رواج می‌دهند، تحت کنترل درآورد. دولت در از بین بردن مانیفست‌های سیاسی سلفی که بیشتر علنی هستند و جبهه نجات ملی موفق بوده است، اما این موضوع نتوانسته است رهبران پیشین و هواداران این گروه‌ها را دوباره وارد فرآیند سیاسی کشور کند.

این رویکرد (دولت) مانیفست جهادی خشونت‌آمیز را فقط برای یک بازه زمانی سال‌های پس از ۱۹۹۰ کاهش داد، اما جنبش جهادی امروز بار دیگر با ایجاد سازمان القاعده در مغرب اسلامی بروز پیدا کرده است. بنابر این چالش سلفی‌ها رفع نشده است. در همین حال هم‌زمان با این که از مانیفست‌های سیاسی و جهادی کاسته شده است، سومین حالت سلفی‌گری که آن را دعوای سلفیه می‌خوانند و بر اسلامی کردن هوادارانش و منزوی کردن آن‌ها از فرآیند سیاسی متمرکز است، اهمیت روزافزونی پیدا می‌کند. گسترش دعوای سلفیه بیشتر به

